

# مبانی و ریشه‌های تقریب و اتحاد اسلامی در قرآن و سنت

عکس

عبدالصمد مرتضوی<sup>1</sup>  
(مذهب: حنفی - استان خراسان جنوبی)

## چکیده

مسئله تقریب و وحدت میان امت اسلامی یک مسئله جزئی و در حاشیه نیست، بلکه امری بسیار مهم و اساسی است که در قرآن و سنت نبوی بسیار بدان تأکید شده است. به طور کلی کلمه توحید و اصل اخوت اسلامی در قرآن از مهم‌ترین مبانی وحدت و تقریب در قرآن به شمار می‌آید و در احادیث نبوی نیز به همین موارد به عنوان مبانی مهم وحدت اشاره شده است. علاوه بر این، از جمله مهم‌ترین اقداماتی که رسول اکرم (ص) جهت تحقق وحدت و تقریب میان امت اسلامی به انجام رسانید - و می‌توان هر یک از این اقدامات را مبنایی خاص برای تحقق تقریب دانست - موارد و اقدامات ذیل هستند که هر یک می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد وحدت و تقریب داشته باشد: امضای پیمان‌نامه عمومی در مدینه، نفی نژادپرستی و قومیت‌گرایی، برقراری پیوندهای خانوادگی، اصلاح ذات‌البین، تحمل و مدارا، پرهیز از تکفیر افراد مسلمان، و آموزش ادب اختلاف.

**کلیدواژه‌ها:** تقریب، اتحاد اسلامی، مبانی و ریشه‌ها، قرآن، سنت.

## مقدمه

تقریب و همبستگی میان مذاهب اسلامی مسئله‌ای است حیاتی و بسیار مهم که جامع‌ترین و کامل‌ترین پشتوانه‌های دینی (یعنی قرآن و سنت) به وضوح آن را تأیید می‌کند. در حالی که به صراحت از جانب خداوند حکیم آیات و رهنمودهایی برای تحقق این اصل اساسی و حیات‌بخش در میان امت اسلامی نازل شده است، اما با این وجود، در این عصر که دشمنان تا دندان مسلح اسلام نه تنها امت اسلامی بلکه اسلام و قرآن و آرمانهای بلند اسلامی را نشانه گرفته‌اند؛ مشاهده می‌کنیم که برخی افراد کوتاه‌نظر با استناد به روایات موضوع و ضعیف و با دلایلی بی‌اساس، وحدت و همبستگی امت را برهم می‌زنند و اسلام‌ستیزان را خوشحال و جسور می‌کنند. بر همین اساس ضروری است که تحقیقات و پژوهشهای گسترده‌ای در این حوزه انجام گیرد، تا ابتدا آلام و دردهایی که امت اسلامی از آن رنج می‌برد، شناسایی و آن‌گاه گامهایی در راستای رفع این مشکلات و رنجها برداشته و این معضلات چاره‌سازی شود. در این تحقیق سعی ما بر آن بوده که تا حد ممکن براساس منابع دسته اول،

1- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مبانی تقریب میان مذاهب اسلامی را در قرآن و احادیث نبوی مورد بررسی قرار دهیم و پیرامون هر یک از این مبانی توضیحاتی مختصر و مفید را ارائه دهیم.

## مبانی تقریب در قرآن

بیگمان نخستین منادی وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی و به طور کلی امت اسلامی قرآن کریم است. در مجموع، قرآن در بیش از 50 آیه به موضوع وحدت، اختلاف و روشهای پیشگیری از آن و چگونگی ایجاد اتحاد اشاره می‌کند که بیانگر اهمیت این موضوع از منظر قرآن می‌باشد.

### 1. کلمه توحید اساسی‌ترین مبنای وحدت و همبستگی

با اندکی دقت و بررسی در قرآن متوجه می‌شویم که بعد از توحید، مهم‌ترین موضوعی که مورد تأکید قرار گرفته؛ وحدت مسلمانان و پرهیز از اختلاف و چنددستگی است و بعد از ایمان به خدا به هیچ چیز به اندازه وحدت و همبستگی میان مسلمانان تشویق و سفارش نشده است. قرآن کریم در قالب الفاظی چون «اعتصموا» (آل عمران، 103)، «أصلحوا» (حجرات، 9 و 10)، «رابطوا» (انفال، 11؛ آل عمران، 200؛ کهف، 14)، «تعاونوا» (مائده، 2)، «السلم» (بقره، 208)، «اصلاح بین الناس» (بقره، 224؛ نساء، 114؛ انفال، 1)، «الْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (انفال، 63؛ توبه، 60؛ قریش، 1 و 2؛ آل عمران، 103)، «أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» (انبیاء، 92؛ مؤمنون، 52؛ آل عمران، 73؛ حجرات، 10)، «أَخَوْتٌ» (احزاب، 5؛ حجر، 47؛ توبه، 11؛ شوری، 23) و «مُؤَدَّتٌ» (همان) به صراحت بر وحدت میان مسلمانان سفارش و تأکید کرده است.

این همه تأکید اسلام در درجه اول بر «کلمه توحید» و در درجه دوم بر «وحدت کلمه» چه معنایی می‌تواند داشته باشد، جز اینکه خداوند خواهان ایمان خالص مسلمانان و رعایت ثمره عملی ایمان؛ یعنی همان «وحدت کلمه» است. بر این اساس کسانی که خدایشان یکی، پیامبرشان یکی، کتابشان یکی و قبله آنها یکی است و حتی علت خلقت و حیاتشان یکی است؛ ناگزیر بایستی دارای وحدت کلمه نیز باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» (انبیاء، 92)؛ «[گفتیم:] این است امت شما که امتی واحد (یگانه) است [با یک هدف و یک خدا]، و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید».

در جایی دیگر می‌فرماید: «وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون، 52)؛ «و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است، و من پروردگار شمایم پس، از من پروا دارید».

مسلمانان آگاه بایستی به اهمیت این شعار قرآنی (یعنی امت واحد) پی‌ببرند و عظمت آن را درک کنند و تفرقه را

از میان بردارند و نابود سازند و بدانند که هرگونه حرکتی که به دوگانگی و تفرقه مسلمانان بیانجامد، حرکتی است که خواسته دشمنان و برخلاف دعوت قرآن است. در این دعوت، وحدت به مذهب خاصی محدود نشده و معیار امت واحده، اعتقاد به وحدانیت الهی دانسته شده است. از سوی دیگر وحدت امت در ردیف توحید قرار گرفته و پرستش خدا متوقف بر این یگانگی شده است. وحدت، موعظه و یک پیشنهاد نیست، بلکه وظیفه و تکلیف است و همان‌گونه که مسلمانان موظفند براساس توحید، خدا را عبادت کنند، وظیفه دارند در تحصیل وحدت نیز بکوشند.

وحدت و اتحاد از چنان جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است که قرآن از آن به عنوان نعمتی ویژه یاد می‌کند و خداوند را در ایجاد آن به طور مستقیم دخیل می‌داند. همچنین از مؤمنان می‌خواهد تا با یادآوری دوران تلخ تفرقه و آشوب، در حفظ اتحاد بکوشند؛ زیرا اتحاد میان امت مؤمن به خواست خداوند شکل گرفته است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً قَالَف بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَاناً» (آل عمران، ۱۰۳)؛ «و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما باهم دشمن بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید».

## 2. اصل اخوت اسلامی و حقوق مسلمانی

از جمله مبانی وحدت در قرآن که نقش بسزایی در تحکیم و ایجاد وحدت و انسجام امت اسلامی دارد می‌توان از اصل «اخوت اسلامی» یا همان برادری ایمانی یاد کرد. البته اخوت به تنهایی دارای ابعاد متنوع و گسترده‌ای است و انسانها از ابعاد مختلفی می‌توانند باهم برادر باشند. با تدبر در آیات قرآن به وضوح می‌توانیم به این نکته پی‌ببریم. یکی از ابعاد اخوت، زاده‌شدن از یک پدر و مادر است که معمولاً با شنیدن واژه اخوت یا برادری، این بُعد یا معنای اخوت در ذهن انسان تداعی می‌شود. البته دایره این بُعد از اخوت می‌تواند بسیار محدود یا بسیار نامحدود باشد. به عنوان مثال در آیه 7 و 8 سوره یوسف آمده است: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَاخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ. اِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَاخُوهُ اَحَبُّ اِلَيْ اَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّ اَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «به راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرت‌هاست. هنگامی که [برادران او] گفتند: یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما - که جمعی نیرومند هستیم - دوست‌داشتنی‌ترند. قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است». آن‌گونه که پیداست در این آیات

مراد از «آخوه» همان بُعد محدود آن - یعنی برادران تنی یوسف - می‌باشد.

این در حالی است که در آیه 13 سوره حجرات به بُعد نامحدود این اخوت اشاره شده و خداوند متعال تمامی انسانها را از آدم تا خاتم فرزندان آدم - یعنی برادران همدیگر بدین لحاظ - دانسته است. در این آیه خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلَىٰ بِرِجَالِكُمْ إِذَا قَامْتُمْ إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْأَلُوا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ يَوْمَئِذٍ يَمُنُّونَ بِاللِّقَاءِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي كُنْتُمْ يُوعَدُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید [و اینها ملاک امتیاز نیست]، قطعاً ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است». در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، 1)؛ «ای مردم! از پروردگارتان، که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت، پروا کنید و از خدایی که به [نام] او از یکدیگر درخواست می‌کنید و در مورد ارحام از خدا پروا کنید. همانا خداوند مراقب شماست».

در قرآن به بُعدی دیگر از «اخوت» یعنی همان اخوت ملی - قبیله‌ای نیز اشاره شده است. به عنوان مثال در قرآن از پیامبرانی چون نوح و هود و صالح و لوط به عنوان برادران قومشان یاد شده و خدای متعال فرموده است: «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء، 106)، «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء، 124)، «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء، 142) و «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء، 161). آن‌گونه که پیداست در همه این آیات به وضوح به این بُعد از اخوت - یعنی برادری قومی - اشاره شده است.

جالب توجه آنکه در آیات 176 و 177 سوره شعراء دیگر شعیب برادر «اصحاب ایکه» خوانده نشده و تنها خدای متعال فرموده است: «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ. إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ. إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ». در این آیات دیگر تعبیر «أخوهم» برای شعیب به کار نرفته و در واقع شعیب برادر قومی اصحاب ایکه معرفی نشده است. دلیل این امر نیز آن است که شعیب از دیار اصحاب ایکه نبود، بلکه از منطقه‌ای به دور از آنجا به نام «مدین» بود و به همین خاطر هم خداوند وی را برادر «اصحاب مدین» خوانده و فرموده است: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ

اغْبُدُوا اللَّهَ...» (هود، 84)؛ «و به سوي «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم). گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید...».

شایان ذکر است موضوع مورد بحث ما در این مقاله همان «اخوت اسلامی» است که سایر ابعاد اخوت را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد و در ایجاد وحدت و تحکیم آن بسیار مؤثر است. از جمله مهم‌ترین تعالیم و شعارهای اصیل و بنیادی اسلامی می‌توان به «اخوت اسلامی» اشاره کرد که شعاری مؤثر، عمیق، پرمعنا و جذاب است و در قرآن نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در این کتاب آسمانی همه مؤمنان برادران همدیگر معرفی شده‌اند و خداوند متعال به صراحت فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، 10)؛ «جز این نیست که مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادرانتان را اصلاح کنید و از خدا بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید».

آن‌گونه که پیداست اسلام قانون برادری دینی را برای هرچه نزدیکتر شدن مسلمانان به یکدیگر، به عنوان یک فریضه دینی، تشریح کرده است.

قرآن کریم در آیه 10 سوره حجرات قانونی را تشریح کرده که براساس آن، نسبت و پیوندی میان آحاد مسلمانان، ایجاد می‌شود که پیش از آن وجود نداشته است. این پیوند همان «برادری دینی» یا «اخوت اسلامی» است که مکرر در قرآن از آن یاد شده است.

خدای متعال در سوره حجرات، پس از آنکه به این قانون عمومی و قاعده کلی تصریح فرموده که «وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا»؛ «هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم نزاع کردند، آنان را آشتی دهید»، در آیه بعد با تأکید بیشتر، به دلیل و علت تشریح این امر می‌پردازد و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، 10)؛ «مؤمنان برادر همدیگرند و بنابراین بایستی در میان دو برادر خود صلح را برقرار کنند». به این ترتیب آیه مزبور امر می‌کند که مؤمنان باهم برادری و محبت کنند و اگر هم به نحوی از یکدیگر دور شده‌اند، زمینه دوستی و قرب را با همدیگر فراهم کنند و چنانچه اختلاف و نزاعی میان دو یا چند نفر از آنان صورت گرفته؛ افرادی از آن میان برای ایجاد صلح و سازش میان آنها پیشگام شوند و زمینه آشتی و صلح را میان آنان فراهم نمایند.

در ادامه آیاتی چند از قرآن کریم که در آنها بر «اخوت اسلامی» تأکید شده را از نظر می‌گذرانیم:

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ «و همگی به ريسمان خدا چنگ زنيد و پراکنده نشويد و نعمت خدا را بر خود ياد کنيد، که دشمنان [همديگر] بوديد، آن‌گاه بين دلهاي شما الفت داد، آن‌گاه به [فضل و] نعمت او [با يکديگر] دوست شديد و بر لبه گودالی از آتش بوديد، و شما را از آن باز رهايد، خداوند بدین‌سان آیاتش را برای شما روشن می‌سازد، باشد که راه يابيد».

نعمت اخوت (برادری) اسلامی بعد از ايمان بزرگ‌ترين نعمت خداوندی است که بر مؤمنان ارزانی داشته شده و بنابراین خداوند نیز در قرآن به يادآوری اين نعمت پرداخته و فرموده است: «وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال، 63)؛ «و بين دلهايشان الفت ایجاد کرد. اگر تمام آنچه را روي زمين است، صرف می‌کردی که بين آنان، الفت دهی، نمی‌توانستی ولي خداوند بين آنها الفت ایجاد کرد! همانا او توانا و حکيم است».

در آيه ای ديگر می‌فرماید: «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نَفِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (توبه، 11)؛ «پس اگر (کسانی) توبه کنند و نماز برپای دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شما هستند. و آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان می‌کنیم».

در این آيه به صراحت بيان شده است: کسانی که توبه می‌کنند (و مسلمانانی راستين می‌شوند)، به شرط ادای نماز و پرداخت زکات؛ برادر دینی مسلمانان هستند و دارای حقوق مساوی در جامعه اسلامی خواهند بود.

نیز در آيه ای ديگر می‌فرماید: «وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَاناً عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ» (حجر، 47)؛ «هرگونه غل (حسد و کینه) را از سينه آنها برمی‌داريم و آنها برادرانه بر تختها روبه‌روي يکديگر قرار می‌گيرند». علاوه بر آن در آيه ای ديگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات، 12)؛ «ای کسانی که ايمان آورده‌اید! از بسياری از گمانها بپرهيزيد، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار ديگران) تجسس نکنيد و هيچيك از شما ديگری را غيبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت

برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همواره شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است».

همچنین در آیه‌ای دیگر گویا خداوند می‌خواهد به مسلمانان گوشزد کند که آنها حتی نسبت به برادران دینی پیش از خود که سالها یا قرن‌ها پیش از آنها زندگی می‌کرده‌اند، نیز مسئولیت دارند. در این آیه، خداوند مؤمنان راستین را این‌گونه وصف می‌کند که آنها نسبت به برادران پیشین خود این‌گونه می‌گویند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر، 10)؛ «(و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده‌اند [و] می‌گویند): پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ‌گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی».

در آیات متعددی اخوت و برادری دینی مسلمانان به عنوان یکی از محوری‌ترین عوامل در توسعه اتحاد و یکپارچگی آنها و عاملی مهم جهت مبارزه با هرگونه تفرقه و نفاق یاد شده است. قرآن کریم با وضع و تشریح اخوت دینی در پی تحقق اهدافی به شرح ذیل بوده است که عبارتند از: اصلاح امور مسلمانان به وسیله برادران دینی (نک: حجرات، 9 و 10؛ بقره، 178)، رعایت حقوق برادران دینی و تحقق عدالت و مساوات (نک: آل عمران، 102 و 103؛ توبه، 11 و 12)، ترویج ایثار و انفاق (نک: بقره، 220؛ توبه، 11 و 12)، ایجاد اتفاق و اتحاد میان مسلمانان به منظور تحقق وحدت امت اسلامی (نک: آل عمران، 102 و 103)، و مرزبندی میان کفر و ایمان (نک: توبه، 11 و 12). در سوره‌های مختلفی از قرآن، نظیر حجرات، نور، نساء، حجر و غیره به وضوح بحث رعایت کردن حقوق برادری مطرح شده است.

امت اسلامی بایستی به این ندای روح‌بخش و انسان‌ساز قرآن کریم گوش جان بسپارد و در راه اجرای اخوت ایمانی، از سر صدق گام بردارد. مگر نه این است که خداوند متعال فرموده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، 29)؛ «محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربانند».

### مبانی تقریب در سنت نبوی

پیامبر گرامی اسلام (ص) همواره در آموزشها و تعالیم خود و حتی در عملکرد خود نیز، در جهت نفی تفرقه و اختلاف و تحکیم پایه‌های وحدت و انسجام اسلامی و همچنین جهت برقراری اخوت و همدلی و همبستگی میان مسلمانان و تفاهم

با غیرمسلمانان غیرمعارض - از اهل کتاب و غیره - نیز گام برداشته و تلاشهای فراوانی کرده است. پیامبر(ص) الگویی تمام عیار برای ما در تمامی ابعاد زندگی است و بنابراین لازم است که با سنت و سیره ایشان تعاملی دقیقتر و عمیقتر داشته باشیم، تا بتوانیم در استنباط آموزه‌ها و رهنمودهای لازم جهت پشتسر نهادن اختلافات و رفع معضلات موفقتر عمل کنیم. اکنون برخی اقوال و موضع‌گیریهای رسول خدا(ص) را مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا به چگونگی تعامل نیکوی پیامبر برای حل اختلافات پی ببریم و اصول و قواعدی را دریابیم که آن حضرت برای رسیدن به این هدف به کار می‌برده است.

از آنجا که نخستین وظیفه و نقش سنت نبوی تبیین و تفسیر قرآن است، در احادیث نبوی نیز همان راهکارها و اصول ابتکاری قرآن را برای تحکیم وحدت و جلوگیری از اختلاف مشاهده می‌کنیم. هرچند در احادیث، این موضوع با تأکید و وضوح بیشتری بیان گردیده و علاوه بر آن، این راهکارها در جامعه صدر اسلام اجرا و تجربه شده است. اگر تاریخ صدر اسلام را ورق بزنیم به خوبی پی خواهیم برد که سراسر وقایع تاریخ صدر اسلام گویای شواهدی است که اوج کوششهای پیامبر اکرم(ص) را در ایجاد وحدت و جلوگیری از اختلاف و از هم‌گسیختگی صفوف مسلمانان نشان می‌دهد. در ذیل به مبانی تقریب در سنت نبوی اشاره می‌کنیم:

### **1. اهمیت اتحاد و هم‌گرایی و آثار شوم اختلاف**

بخش قابل توجهی از روایات و احادیث پیامبر گرامی اسلام(ص) به حفظ وحدت و نفی تفرقه و نکوهش آن و نهی مسلمانان از امور تفرقه‌افکن و اختلاف‌برانگیز اختصاص یافته است. در ذیل به برخی از این احادیث به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم.

عبدالله بن مسعود می‌گوید: شنیدم که شخصی آیه‌ای را خلاف آنچه من از رسول خدا(ص) شنیده بودم، تلاوت می‌کرد. دستش را گرفته و نزد رسول خدا بردم. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «شما هردو، صحیح می‌خوانید». شعبه (راوی حدیث) می‌گوید: سپس رسول خدا(ص) فرمود: «با یکدیگر اختلاف نکنید؛ زیرا امت‌های گذشته، به علت اختلاف، از بین رفتند» (بخاری، 1422ق، ح2410).

در حدیثی دیگر نقل شده که آن حضرت(ص) فرموده است: «مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای يك ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می‌شوند. سپس رسول خدا(ص) انگشتانش را داخل یکدیگر نمود (و با این کار، استحکام را به ما نشان داد)» (بخاری، 1422ق، ح6027؛ ترمذی، بی-تا، ح1928؛ نسائی، 1411ق، ح2560؛ مجلسی، 1404ق، ج58، ص150).



در احادیث متعددی نیز بیان شده که تفرقه باعث سقوط در دامهای شیاطین و دشمنان می‌شود. بر همین اساس رسول خدا مکرر امت خویش را به سوی وحدت سوق داده و آنان را ارشاد فرموده است که به وحدت و جماعت مسلمانان پایبند باشند؛ زیرا «دست بیلکیف» خدا به همراه جماعت است و کسی که از جماعت جدا شود گمراه می‌شود و در نهایت مستوجب عذاب می‌گردد (ر.ک: طبرانی، 1415ق (الف)، ج6، ص277). همچنین به آنها هشدار داده که شیطان مانند گرگ بر سر راه انسان کمین می‌کند و آنچه مسلم است همان‌گونه که گرگ گوسفند در حاشیه و جدا افتاده را شکار می‌کند، شیطان نیز افراد تکرر و جدا شده از جماعت مسلمانان را به راحتی شکار می‌کند (ر.ک: بیهقی، 1410ق، ج7512). در حدیثی دیگر می‌فرماید: «با جماعت مسلمانان همراه باشید؛ زیرا دست خدا با جماعت است و شیطان با یک فرد همراه و از دو تن بسیار دور است» (سیوطی، بی‌تا، ج815؛ طبرانی، 1415ق (الف)، ج7، ص193، ج7249).

در روایتی دیگر آمده است: «هرکس در حالی بمیرد که دور و جدا از جماعت مسلمانان است، به مرگ جاهلی (و در جاهلیت) مرده است» (مجلسی، 1404ق، ج29، ص331؛ احمد بن حنبل، 1420ق، ج6166؛ بیهقی، 1410ق، ج7495).

نبی اکرم آن‌قدر از ایجاد اختلاف در میان امتش بیم داشته که دستور داده است حتی اگر قرائت قرآن هم به اختلاف منجر شود در آن وقت از قرائت صرف‌نظر شود و به اختلاف دامن زده نشود. در این مورد آن حضرت (ص) به صراحت فرموده است: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا اِتْلَفْتُمْ قُلُوبَكُمْ فَإِذَا اِخْتَلَفْتُمْ فَاقْرَأُوا عَنْهُ» (بخاری، 1422ق، ج5060؛ نسائی، 1411ق، ج8098؛ ابن‌حبان، 1420ق، ج732؛ بیهقی، 1410ق، ج2262). این روایت در بحار الانوار و مستدرک الوسائل این‌گونه آمده است: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا اِتْلَفْتُمْ عَلَيْهِ قُلُوبَكُمْ وَ لَأَنْتَ عَلَيْهِ جُلُودُكُمْ فَإِذَا اِخْتَلَفْتُمْ فَلَسْتُمْ تَقْرَأُونَ» (مجلسی، 1404ق، ج89، ص216؛ نوری، 1408ق، ج4، ص238).

در روایتی نیز ایشان فاصله‌گرفتن از جامعه مسلمانان را از عوامل خروج از دایره اسلام و دیانت خوانده و فرموده است: «هرکس که به اندازه یک وجب از جماعت (مسلمانان) کناره گیرد به تحقیق که طوق اسلام را از گردن فرو نهاده (و از اسلام خارج شده است)» (طوسی، 1414ق، ص297؛ مجلسی، 1404ق، ج2، ص267).

در تعبیری مشابه نیز آن حضرت (ص) در مورد کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان کناره گرفته و در

همان حال هم مرده، فرموده است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ، إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (بخاری، 1422ق، ح7054؛ مسلم، بی‌تا، ح1849) یعنی چنین فردی در جاهلیت مرده است. همچنین ایشان جماعت و اجتماع را مایه خیر، و تفرقه را مستوجب عذاب دانسته و فرموده است: «هم‌گرایی خیر (و برکت) و تفرقه عذاب است» (احمد بن حنبل، 1420ق، ح18450).

به علاوه حضرت رسول (ص) مثل مؤمنان را در دوستی و رحمت و عطوفت به یکدیگر، مانند اعضای یک پیکر واحد دانسته که با درد گرفتن و رنجور شدن یک عضو آن، اعضای دیگر را نیز قرار نمی‌ماند (مجلسی، 1404ق، ح58، ص150؛ متقی هندی، 1989م، ج1، ص175، ح759؛ بیهقی، 1410ق، ح7609). اوج اشتیاق پیامبر به وحدت مسلمانان و جلوگیری از اختلاف را می‌توان در این عملکرد ایشان ملاحظه کرد که در هر نوبت از نماز رو به نمازگزاران می‌کرد و می‌فرمود: «صفهای (نماز) خود را راست و برابر کنید و متفرق نشوید که موجب تفرقه (و اختلاف) دلهایتان می‌شود» (احمد بن حنبل، 1420ق، ح4، صص285، 297 و 304؛ ابوداود، بی‌تا، ح664؛ نسائی، 1411ق، ج2، صص89 و 90).

در حدیثی آن حضرت اصلاح و سازش را میان امت می‌ستاید و برقراری صلح را در اجر و پاداش حتی از نماز و روزه هم فراتر می‌شمارد (ترمذی، بی‌تا، ح2509) و آن‌گاه در مذمت اختلاف و تفرقه با صراحت و جدیت تمام می‌فرماید: «همانا اختلاف و تفرقه دین‌زدایی می‌کند (و ایمان انسانها را دچار اضمحلال می‌کند)» (ترمذی، بی‌تا، ح2509؛ مجلسی، 1404ق، ج75، ص99).

اختلاف و درگیری واقعاً از بین برنده دین و ایمان انسان است؛ زیرا افراد را مبتلا به گناهان بی‌شمار دیگری همچون دروغ، تهمت، غیبت، تکبر، حسادت و غیره می‌نماید. به همین خاطر آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «هرگاه دو مسلمان به (خاطر تعصبات قومی یا فامیلی یا) هر دلیل نامشروعی با یکدیگر درگیر شوند و در نتیجه آن کشته شوند، سرانجام قاتل و مقتول آنها آتش (جهنم) خواهد بود» (حر عاملی، 1409ق، ج15، ص148؛ مجلسی، 1404ق، ج97، ص21؛ ابن‌بابویه، بی‌تا، ج2، ص46).

## 2. تأکید بر اخوت و برادری در سنت نبوی

همان‌گونه که در بحث گذشته یکی از مهم‌ترین مبانی تقریب در قرآن را اخوت و به‌ویژه اخوت اسلامی دانستیم در حوزه سنت نبوی نیز این اصل را از مهم‌ترین مبانی تقریب برمی‌شماریم و توضیحاتی را پیرامون آن ارائه می‌دهیم.

رسول گرامی اسلام (ص) در احادیث و روایات بسیاری به اخوت و برادری اسلامی میان مؤمنان اشاره کرده و به صراحت امت اسلامی را به التزام و پایبندی به این اصل اصیل اسلامی فرا خوانده است. رسول خدا (ص) از همان ابتدای امر و زمانی که خورشید اسلام تابیدن گرفت، شعارش این بود که می‌فرمود: «الْمُسْلِمُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ وَيُجِيزُ عَلَيْهِمْ أَقْصَاهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ» (ابوداود، بی‌تا، ح 2753؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ح 2683؛ مجلسی، 1404ق، ج 67، ص 242). در آخرین سفارشهای خود (که در حکم وصیتنامه‌ی ایشان بود) نیز به امت اسلامی چنین فرمود: «ای مردم! سخن من را بشنوید و آن را به گوش جان سپارید؛ زیرا ممکن است دیگر (اجل به من مهلت ندهد و) نتوانم باری دیگر شما را ملاقات کنم. سپس فرمود: آیا می‌دانید کدام روز بیش از سایر ایام حرام است (و حرمت دارد)؟ در مورد ماه و دیار نیز همین سؤال را پرسید و آنگاه فرمود: همان‌گونه که این روز (یعنی روز عرفه حرمت دارد و از روزهای حرام است) و این ماه (ذی‌الحجه از ماههای حرام است و این سرزمین، حرم است؛ ریختن خون دیگران و (خوردن) اموال (دیگران به ناحق) و (ریختن) آبروی (سایرین) نیز تا روز قیامت بر شما حرام است. سپس فرمود: ای مردم! (بدانید و آگاه باشید که) در حقیقت هر مسلمان برادر دیگر مسلمان است (و در مجموع همه‌ی مسلمانان باهم برادرند)» (مجلسی، 1404ق، ج 37، ص 113؛ کلینی، 1365ش، ج 7، ص 273؛ حر عاملی، 1409ق، ج 29، ص 10؛ بخاری، 1422ق، ج 67).

رسول گرامی اسلام در احادیثی چند مفهوم اخوت اسلامی را نیز برای ما تشریح کرده و فرموده است: «مسلمان برادر مسلمان است (یعنی) هرگز به او ستم روا نمی‌دارد (و همواره در صدد یاری و مساعدت او برمی‌آید) و هیچ‌گاه او را درمانده و خوار نمی‌سازد و هرکس در پی برآوردن حاجت برادرش باشد، خداوند در پی برآوردن حاجت او برخواهد آمد و هرکس مشکلی از یک مسلمان را حل کند (یا گره از مشکل وی بگشاید) خداوند مشکلی از مشکلات او را در روز قیامت برطرف خواهد کرد و هر کس پرده‌داری مسلمانی را بکند (و آبروی وی را حفظ کند) خداوند در روز قیامت پرده‌داری وی را خواهد کرد (و آبروی او را نزد خلق حفظ خواهد نمود)» (بخاری، 1422ق، ح 2442؛ مسلم، بی‌تا، ح 6743؛ احمد بن حنبل، 1420ق، ح 5646؛ کلینی، 1365ش، ج 2، ص 167؛ حر عاملی، 1409ق، ج 12، ص 203؛ مجلسی، 1404ق، ج 71، ص 256).

در روایتی دیگر نقل شده که آن حضرت (ص) فرموده است: «از گمان (بد) بپرهیزید! زیرا گمان، دروغ‌ترین سخن است و عیوب و مسائل پوشیده دیگران را دنبال نکنید و جاسوسی و

تجسس ننمایید و با دیگران رقابت (منفی) نداشته باشید و نسبت به همدیگر حسد نورزید و کینه نداشته باشید و از همدیگر نبرید و به هم پشت ننمایید و ای بندگان خدا! برادران هم باشید (چنان که خدا به شما فرمان داده است)» (بخاری، 1422ق، ح6066؛ مسلم، بی‌تا، ح6701؛ احمد بن حنبل، 1420ق، ح7337؛ مجلسی، 1404ق، ج72، ص252؛ حر عاملی، 1409ق، ج27، ص59).

همچنین فرموده است: «نسبت به همدیگر حسد نورزید و کینه نداشته باشید و عیوب و مسائل پوشیده دیگران را دنبال نکنید و جاسوسی و تجسس ننمایید و در معامله‌ی یکدیگر نجش (یعنی اظهار خرید یک جنس به قیمت بالاتر بدون قصد خرید آن برای فریب دادن مشتری و تحریک او به خرید آن جنس)، نکنید و ای بندگان خدا! برادران همدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان است و بر او ظلم نمی‌کند و او را خوار نمی‌کند و او را کوچک نمی‌شمارد. آن‌گاه پیامبر به سینه خود اشاره نمود و سه مرتبه فرمود: تقوا اینجاست! و برای شخص مسلمان همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند. تمام حقوق یک فرد مسلمان اعم از (ریختن) خون و آبرو (ی او) و (خوردن به ناحق) مالش بر مسلمان دیگر حرام است» (مسلم، بی‌تا، ح6706؛ احمد بن حنبل، 1420ق، ح7727؛ مجلسی، 1404ق، ج32، ص595).

در روایتی دیگر آمده است: «قطع صلہ رحم نکنید و از همدیگر نبرید و به هم پشت ننمایید و به همدیگر حسد و بغض نورزید و ای بندگان خدا! برادران همدیگر باشید» (مسلم، بی‌تا، ح2563 و 2564؛ بخاری، 1422ق، ح6064 و 6065).

در حدیثی دیگر رسول گرامی اسلام با تعبیری مختصر اما بسیار جامع و کامل این‌گونه می‌فرماید: «ایمان هیچ‌یک از شما کامل نمی‌شود، مگر آنکه هر آنچه برای خویش دوست دارد (و می‌پسندد) را برای برادر (مسلمان) خود نیز دوست بدارد» (مجلسی، 1404ق، ج69، ص257؛ بخاری، 1422ق، ح13؛

مسلم، بی‌تا، ح179؛ حر عاملی، 1409ق، ج12، ص212).

آن‌گونه که پیداست در این احادیث رسول گرامی اسلام (ص) ضمن تأکید بر اصل اخوت به بیان مفهوم آن نیز پرداخته است و این بیانگر اهمیت این موضوع از منظر آن حضرت می‌باشد. بدون تردید رعایت دستورات آن حضرت در این مورد و توجه به رهنمودهای ایشان موجبات تحقق اخوت اسلامی را فراهم خواهد کرد و وحدت و انسجام امت اسلامی را در پی خواهد داشت. البته رسول اکرم (ص) برای تحقق اخوت اسلامی تنها به ارشاد و تبلیغ اکتفا ننموده، بلکه به طور عملی نیز در این زمینه اقداماتی را انجام داده‌اند که نمونه

آن برقراری پیوند اخوت و برادری میان مسلمانان صدر اسلام می‌باشد.

در نخستین سال ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه یکی از مهم‌ترین ابتکارها و راهبردهای مهم حضرت در به کارگیری عامل وحدت دینی؛ پیوند اخوت یا همان «عقد مؤاخات» بین

مسلمانان بود. 12 رمضان سال نخست هجری در يك مجلس عمومی طبق دستور پیامبر - که فرمود: «همه شما دو به دو در راه خدا برادر شوید» - انصار مدینه با مهاجران مکه پیمان اخوت برقرار کردند (ابن‌هشام، 1411ق، ج 2، ص 150). بدین ترتیب آن حضرت پیمان اخوت و برادری را از راهبردهای اساسی در راستای تحقق وحدت اسلامی، مطرح ساخت و بر همین اساس هم بود که انصار، برادران مهاجر خویش را در اموال و حتی خانه‌های خود شریک و سهم دانستند. در گزارشی از پیامبر، این همدلی و رفتار شایسته میان انصار و مهاجران، به محبت والدین به فرزند تشبیه شده است (نوری، 1408ق، ج 4، ص 83).

روایاتی دیگر از آن حضرت حاکی از آن است که ایشان علاوه بر آغاز ورود خویش به مدینه، در برهه‌های مختلف نیز به شکل‌های گوناگون، بحث برادری و اخوت را میان مسلمانان مطرح می‌کرده و آن را به عنوان يك آموزه دینی به مسلمانان آموزش می‌داده است.

حکمت تشریح قانون برادری دینی در اسلام و تأکید بر وجوب محبت مسلمانان نسبت به یکدیگر، در واقع ساختن جامعه‌ای است که در آن پیوند دوستی و برادری همچون پیوند اعضا استوار و ناگسستنی باشد. از پیامبر خدا (ص) روایت شده که فرمود: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» (مجلسی، 1404ق، ج 58، ص 150؛ متقی هندی، 1989م، ج 1، ص 175، ح 759؛ بیهقی، 1410ق، ح 7609). طبق این فرموده پیامبر اگر عضوی از اعضای جامعه اسلامی احساس درد و رنج کند، سایر اعضا بایستی احساس مسئولیت و همدردی کنند و در صدد درمان آن برآیند؛ زیرا مسلمانان نسبت به همدیگر همچون يك جان هستند که هرگاه عضوی از اعضای آن دردمند شود، اعضای دیگر نیز با آن همدردی می‌کنند». سعدی شیرازی می‌گوید: «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار».

امروزه نیز، تشتت و شکاف موجود در صفوف مسلمانان از يكسو و نیاز به تقریب مذاهب و وحدت امت اسلامی از سوي دیگر ما را بر آن می‌دارد که باری دیگر با درس‌گرفتن از تاریخ و با تأسی از راهکارهای رسول اکرم (ص) این سنت حسنه را احیا و اجرا کنیم. بی‌تردید اخوت اسلامی می‌تواند

ملل و اقوام از هم جدا شده مسلمانان را گرد هم آورد و آنان را در مسیر تشکیل امت واحده به هم پیوند دهد. اصل اخوت اسلامی که مبتنی بر دو عنصر برابری در پیشگاه خداوند و برادری در عرصه زندگی اجتماعی است، همه امتیازات موهوم ملی و مفاخرات قومی را باطل می‌کند و همه مسلمانان را با آن همه تنوعی که در رنگ، نژاد، زبان، قوم، ملیت و زادگاه و تاریخ دارند، تحت یک لوا (و پرچم) که همان «لا اله الا الله، محمد رسول الله» است، منسجم و متحد می‌کند.

### **3. اهمیت همبستگی و اتحاد در سنت نبوی**

کوشش برای ایجاد احساسات مشترک دینی یکی از شاخص‌ترین راه‌حلهای پیامبر اکرم (ص) در جهت تحقق وحدت اسلامی شمرده می‌شود. مواردی چند از مهم‌ترین راهکارها و تدابیر اتخاذ شده توسط رسول اکرم (ص) را برای نایل آمدن به این هدف اساسی و مهم در ذیل یادآور می‌شویم:

#### **3-1. امضای پیمان‌نامه عمومی در مدینه**

این پیمان که بعضی آن را «نخستین قانون اساسی مکتوب جهان» دانسته‌اند؛ بهترین تدبیر برای ایجاد همبستگی دینی و برقراری امنیت بود؛ زیرا وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز مهاجران مسلمان را تضمین می‌کرد. در مفاد این قرارداد به روشنی قید شده است که مسلمانان، امت واحده‌ای سواى از سایر مردم هستند (ر.ک: ابن‌زنجویه، ج 2، ص 117). پاره‌ای از مهم‌ترین مفاد قرارداد به این شرح است: مسلمانان در برابر ظلم و تجاوز باهم متحد خواهند بود؛ امضا کنندگان پیمان، ملتی واحد را تشکیل می‌دهند؛ اگر اختلافی بین مسلمانان بروز کرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود؛ مسلمانان، فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است، رها نخواهند ساخت، بلکه او را یاری و مساعدت خواهند کرد؛ مسلمانان، دوستان و پشتیبان یکدیگرند؛ در پیمان صلح باید مسلمانان متحد شوند، و هیچ مسلمانی بدون جلب نظر مسلمان دیگر جز با عدالت و مساوات نمی‌تواند صلح برقرار کند.

با عنایت به مفاد پیمان‌نامه به این نتیجه می‌رسیم که پیامبر (ص) برای ایجاد احساسات مشترک دینی و برقراری اتحاد تلاش فراوان نموده است و به گواهی تاریخ به موفقیت‌های قابل توجه و چشمگیری نیز از این طریق نایل آمده است. این خود یکی از راهکارهای اساسی در جهت تحقق وحدت امت اسلامی در آن عصر بوده و امروزه نیز تحریک احساسات مشترک دینی نقش بسزایی در بسیج عمومی امت اسلامی و ایجاد همبستگی و همدلی خواهد داشت.

#### **3-2. نفی نژادپرستی و قومیت‌گرایی**

یکی دیگر از راه‌حلهایی که پیامبر مکرم اسلام (ص) در مسیر بنیان‌گذاری وحدت امت اسلامی به کار می‌گرفت، نفی نژادپرستی، قومیت‌گرایی و تبعیض‌های ناروا و ناپسند بود. پیامبر (ص) در جهت برقراری وحدت اسلامی، زید بن حارثه را فرمانده سپاه اسلام کرد و بلال حبشی را مؤذن ویژه خویش قرار داد و از سلمان فارسی که از ایران و دیاری دوردست بود، تجلیل کرد و او را از زمره اهل‌بیت خویش برشمرد، تا به این ترتیب هم با تبعیض‌های موجود به مبارزه برخیزد و هم به تدریج ارزش‌های الهی را ملاک ارزیابی افراد قرار دهد و آن را جایگزین تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها گرداند.

### **3-3. برقراری پیوندهای خانوادگی**

از حکمت‌های برقراری پیوندهای خانوادگی آن حضرت (ص) با افراد و قبایل مختلف، بدون تردید ایجاد الفت، پیوند بین قبایل و وحدت بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به ازدواج پیامبر اکرم (ص) با «جویریة دختر حارث» اشاره کرد که مسلمانان، به سبب این خویشاوندی، بقیه اقوام او را آزاد کردند و در نهایت تمام طایفه او به اسلام پیوستند (نک: ابوداود، بی‌تا، ج 4، ص 22، ح 3931).

### **4-3. اصلاح ذات‌البین**

موضوع «اصلاح ذات‌البین» و سفارش‌ها و موضع‌گیری‌های پیامبر اکرم (ص) پیرامون آن نیز، در ردیف راهکارهای ایجاد همبستگی قرار می‌گیرد. در روایتی پیامبر (ص) به ابویوب انصاری فرمود: «ای ابویوب! آیا تو را به صدقه‌ای که خدا و رسولش دوست دارند، ارشاد نکنم؟ وی گفت: چرا (چنین کنید). فرمود: هرگاه مردم به فساد (اختلاف) افتادند، میانشان آشتی و صلح برقرار کن» (طبرانی، 1415ق (ب)، ج 4، ص 183). آن حضرت این عمل – یعنی اصلاح ذات‌البین – را در اجر و پاداش از نماز و روزه هم برتر دانسته است.

### **5-3. تحمل و مدارا**

جریان‌های تفرقه‌افکن و اختلاف‌برانگیز در مدینه همواره آشکارا و پنهان در پی فرصت بودند که بتوانند با ایجاد اختلاف به مقصود باطلشان نایل آیند. پیامبر اکرم (ص) که از درایت و خردمندی کامل برخوردار بود، با تحمل و مدارا وحدت امت اسلامی را حفظ و جلوی بروز هرگونه اختلاف و نفاق را می‌گرفت. آن حضرت حتی با منافقان نیز برای حفظ وحدت جامعه، با تحمل و مدارا برخورد می‌نمود. بر همین اساس ایشان جهت رعایت مصالح جهان اسلام و امت اسلامی حتی علیه عبدالله بن ابی – رئیس منافقان مدینه که خیانت‌هایش در مراحل گوناگون برای پیامبر (ص) و امت اسلامی آشکار شده بود – اقدامی نکرد. وی همان کسی است

که قرآن کریم با اشاره به جریان غزوه «بني مصطلق» می‌فرماید: او در مورد مسلمانان گفته است: «لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (منافقون، 8)؛ «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً عزیزتر، ذلیل‌تر [یعنی مؤمنان] را از آنجا بیرون خواهد کرد».

صحابه پیامبر(ص) هنگامی که از توطئه عبدالله بن ابی‌خبردار شدند، از پیامبر(ص) اجازه خواستند تا او را به قتل برسانند. پیامبر(ص) برای حفظ وحدت امت اسلامی آنها را از این کار برحذر داشت و فرمود: تا هنگامی که زنده است با او مانند یک دوست و رفیق رفتار کنید. پیامبر(ص) نه تنها در برابر منافقان تحمل و مدارا داشت، بلکه با کفار نیز مدارا می‌نمود و همین رفتار شایسته آن حضرت موجب جذب آنان به اسلام می‌شد.

به راستی آیا وقتی الگوی راستین ما مسلمانان با منافق و کافر مدارا می‌کند، آیا منطقی است که ما مسلمانان به خاطر اختلافی جزئی یا حتی کلی و مهم، علیه هم صف‌آرایی کنیم و به کینه‌توزی و عناد علیه همدیگر پردازیم؟!

### 3-6. پرهیز از تکفیر افراد مسلمان

معمولاً مبدأ نزاعها و کشمکشهای مذهبی، همین تکفیر است و از این رهگذر است که افراد به خود اجازه می‌دهند علیه برادران دینی خود موضع بگیرند و هر جنایتی را علیه آنان انجام دهند و به گونه‌ای آن را توجیه نمایند. از مهم‌ترین راهکارهای رسول اکرم(ص) در جهت رفع اختلاف و ایجاد وحدت و انسجام امت اسلامی می‌توان به تلاشهای ایشان در راستای زدودن فرهنگ تکفیر از جامعه اشاره کرد. در

حدیثی آن حضرت می‌فرماید: «کسی که رو به قبله ما و همچون ما نماز بخواند و ذبیحه ما را بخورد، هرآنچه برای ماست برای او هم خواهد بود و هر آنچه علیه ماست به زیان او نیز خواهد بود (و بنابراین او از همه حقوق و احکام متقابل مسلمانان برخوردار خواهد بود)» (ابن-بابویه، 1403ق، ج 1، ص 178، ج 237؛ مجلسی، 1404ق، ج 65،

ص 269؛ عبدالرزاق، 1403ق، ج 2، ص 356، ج 720). در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «مَنْ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا وَ شَهِدَ شَهَادَتَنَا وَ نَسَكَ نُسُكَنَا وَ وَالَى وَ لِيْنَا وَ عَادَى عَدُوْنَا فَهُوَ مُسْلِمٌ» (مجلسی، 1404ق، ج 65، ص 282). در روایتی دیگر می‌فرماید: «وای بر شما اگر مؤمنی را لعن کنید یا وی را تکفیر کنید» (کلینی، 1365ش، ج 1، ص 360). در حدیثی دیگر نیز آن حضرت می‌فرماید: «بدترین امت من کسی است که در دین خویش دچار عجب شده و ریاکاری می‌کند و به (هر) دلیلی با دیگران به نزاع و ستیزه جویی می‌پردازد» (متقی هندی، 1989م، ج 3، ص 515، ج 7675؛ سیوطی، بی‌تا، ج 13، ص 409). به علاوه آن حضرت فرموده است: «فحش و ناسزا گفتن به



مسلمان، فسق است و جنگیدن با او، کفر می‌باشد» (بخاری، 1422ق، ح48 و6044؛ مسلم، بی‌تا، ح30 و230؛ حر عاملی، 1409ق، ج12، ص280؛ مجلسی، 1404ق، ج71، ص246؛ ج72، ص165).

### 3-7. آموزش ادب اختلاف

در این مبحث نخست به بررسی موضع‌گیری پیامبر(ص) در هنگام تقسیم غنیمت‌های جنگ حنین و تعامل پیامبر با برخی از یارانش می‌پردازیم، تا به چگونگی تعامل نیکوی پیامبر برای حل اختلافات پی ببریم و از آن درس بگیریم. در این جریان برخی از انصار نسبت به توزیع غنایم از سوی پیامبر(ص) معترض شدند و ضمن ناراحتی و نارضایتی از اینکه سهم بیشتر غنایم را پیامبر(ص) به قریش و دیگر قبایل داده و چیزی به انصار نرسیده، با خود گفتند: این کار بسیار حیرت‌انگیز است! چرا همه غنایم را به قریش داد و ما را رها نمود؟! این گلایه‌ها و اعتراضات بالا گرفت، تا اینکه به نمایندگی از انصار، سعد بن عباده خدمت پیامبر(ص) رسید و قضیه را برای آن حضرت بازگو کرد. پیامبر(ص) به او گفت که انصار را جمع کند. سپس آن حضرت به سخنرانی برای آنها پرداخت و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: ای گروه انصار! مراتب گلایه و ناراحتی شما را دریافتم. مگر نه این است که زمانی شما همراه بودید و خداوند شما را به وسیله من هدایت داد و فقیر بودید و خدا شما را بی‌نیاز ساخت و دشمن یکدیگر بودید و خداوند در میان شما اخوت و الفت برقرار ساخت؟ آنها پاسخ دادند: آری این‌گونه بود و منت خدای راست (عزوجل). سپس فرمود: شما هم می‌توانید بگویید که زمانی که همه مرا تکذیب می‌کردند، شما تصدیق نمودید و پناه دادید و از همه چیز مایه گذاشتید. با این وجود من به جای غنایم حنین، خود در کنار شما قرار گرفته‌ام و خود نیز راه انصار را برمی‌گزینم. خداوند انصار و فرزندان انصار و فرزندان فرزندانشان را مورد رحمت خویش قرار بده! بعد از این سخنان همه گریستند و اعلام نمودند ما بر آنچه پیامبر خدا(ص) تقسیم نموده راضی هستیم. بیش از پیش ضروری است که قدری در رابطه با این موضع‌گیری پیامبر(ص) تأمل کنیم تا بیاموزیم که چگونه ایشان اختلافات را مدیریت و تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کرده است.

بدون تردید مهم‌ترین دلایلی که باعث شد مسلمانان صدر اسلام همواره پیروز میدان و سعادت‌مند باشند آن بود که اولاً؛ آنان می‌کوشیدند تا آنجا که ممکن است با یکدیگر اختلاف نکنند و اگر هم اختلافی صورت می‌پذیرفت، به جای نزاع و کشمکش سعی می‌کردند آن را با مراجعه به قرآن و سنت یا رهبر دینی خود برطرف کنند. ثانیاً؛ بی‌درنگ و

بدون هیچ بهانه‌ای حکم خدا و پیامبر (ص) را می‌پذیرفتند. ثالثاً؛ همواره ادب‌گفتار را رعایت می‌کردند و عفت‌کلام داشتند و مسلماً این خود حل‌مشکل و رفع اختلاف را تسریع می‌بخشید. رابعاً؛ در اوج اختلاف نیز جانب تقوی را رعایت می‌کردند و حدود اسلامی را زیر پا نمی‌نهادند. خامساً؛ صبورانه به استماع دقیق نظرات و آرای دیگران می‌پرداختند و از تحقیر آنها و یا پیش‌داوری پیرامون آنان خودداری می‌کردند و هیچ‌گاه شتابزده و بی‌تأمل سخنان دیگران را قطع نمی‌کردند. سادساً؛ سعه صدر داشتند. سابعاً؛ با دیدن یک بدی یا صفت زشت در دیگران - هرچند از مخالفان آنها هم بودند - محسنات و صفات نیکوی آنها را نادیده نمی‌گرفتند و حتی برای آرام کردن طرف مقابل به یادآوری این صفات می‌پرداختند.

شاین ذکر است: برخی سعی کرده‌اند با استناد به حدیثی که پیامبر (ص) فرموده است: «از پروردگرم سه چیز درخواست کردم؛ دو خواسته‌ام را برآورده کرد و یک خواسته را رد فرمود. از او خواستم امتم در نتیجه خشکسالی و قحطی هلاک نشوند و دشمنی از غیرشان بر آنها مسلط نشود و او نیز این دعای من را اجابت کرد، و از او خواستم میان امتم تفرقه و اختلاف به وجود نیاید، اما خداوند این خواسته‌ام را برآورده نکرد» (ابن‌کثیر، 1420ق، ج 3، ص 268)، امت اسلامی را از وحدت و انسجام مأیوس کنند و این‌گونه وانمود کنند که به طور کلی وحدت امکان‌پذیر نیست و اختلاف و تفرقه اجتناب‌ناپذیر است. در پاسخ باید گفت: اولاً؛ در این حدیث تنها به وجود اختلاف در میان امت اشاره شده است و هیچ تناقضی با تلاش و کوشش برای رفع اختلاف ندارد و عملکرد رسول اکرم (ص) نیز این را تأیید می‌کند. ثانیاً؛ به وضوح از این حدیث پیداست که پیامبر (ص) نگران وجود اختلاف میان امت بوده و در این مورد دغدغه داشته است و به همین خاطر هم دست دعا به درگاه بی‌نیاز خداوند برداشته تا شاید ریشه اختلاف برچیده شود و این خود تلاشی بوده برای رفع اختلاف که ما نیز باید از آن پند گیریم و در این زمینه تلاش کنیم. ثالثاً؛ این حدیث بیانگر آن است که حفظ وحدت و جلوگیری از اختلاف بر عهده خود مسلمانان گذاشته شده و خداوند آن را تضمین نکرده است. رابعاً؛ با عنایت به آن همه آیات و روایاتی که در باب لزوم حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه بیان کردیم، دیگر مجال برای این‌گونه ادعاها و سوء برداشتها باقی نمی‌ماند.

در خصوص روایت معروف «اختلاف امت من رحمت است» (مجلسی، 1404ق، ج 1، ص 227؛ حر عاملی، 1409ق، ج 27، ص 140؛ سیوطی، بی-تا، ج 2، ص 40، ح 874) نیز باید گفت: برخی در صحت آن

تردید کرده اند (نک: ابن اثیر، 1969م، ج1، ص182؛ آل بانی، بی تا، ج1، ص34) و برخی نیز به توجیه آن پرداخته و گفته اند: مراد از این اختلاف، آمد و شد فقهای اسلامی و ملاقاتهای علمی آنان است (نک: ملاعلی قاری، 1422ق، ج9، ص3853؛ مناوی، 1408ق، ج1، ص49) که در این مورد به آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران، 190) و مانند آن استناد کرده اند و «اختلاف» را به معنای آمد و شد گرفته اند. البته حتی اگر فرض را بر صحت این حدیث بگیریم و از توجیه مذکور نیز صرف نظر کنیم باز هم از این طریق شبهه ای بر وحدت و تلاش برای انسجام امت اسلامی وجود نخواهد داشت؛ زیرا ما نیز معتقدیم اگر اختلاف منطقی و حساب شده باشد، موجب پویایی و رشد و در نهایت باعث رحمت خواهد شد.

### نتیجه

مسئله تقریب و وحدت میان امت اسلامی، یک مسئله جزئی و در حاشیه نیست، بلکه امری بسیار مهم و اساسی است که در قرآن و سنت نبوی بسیار بدان تأکید شده است. به طور کلی کلمه توحید و اصل اخوت اسلامی در قرآن از مهم ترین مبانی وحدت و تقریب در قرآن به شمار می آید و در احادیث نبوی نیز به همین موارد به عنوان مبانی مهم وحدت اشاره شده است. اهمیت بسیار زیادی که در سنت نبوی به اتحاد و هم-گرایی داده شده و بیان آثار شوم اختلاف در احادیث به صورت مکرر و تأکید بر اخوت و برادری و غیره نیز از جمله مبانی تقریب در سنت نبوی به شمار می آید. اخوت دارای ابعاد وسیع و گسترده ای است، اما با این وجود این اخوت اسلامی و دینی است که سایر اخوتها و برادریها و از جمله برادری نسبی و ملی و غیره را تحت الشعاع قرار می دهد. قرآن کریم با وضع و تشریح اخوت دینی در پی تحقق اهدافی چون: اصلاح امور مسلمانان به وسیله برادران دینی و رعایت حقوق برادران دینی و تحقق عدالت و مساوات و ترویج ایثار و انفاق و ایجاد اتفاق و اتحاد میان مسلمانان به منظور تحقق وحدت امت اسلامی و مرزبندی میان کفر و ایمان بوده است. از جمله مهم ترین اقداماتی که رسول اکرم جهت تحقق وحدت و تقریب میان امت اسلامی به انجام رسانید - و می توان هر یک از این اقدامات را مبنایی خاص برای تحقق تقریب دانست - موارد و اقدامات ذیل هستند که هر یک می تواند نقش بسزایی در ایجاد وحدت و تقریب داشته باشد. آنها عبارتند از: امضای پیمان نامه عمومی در مدینه نفی نژادپرستی و قومیت گرایی؛ برقراری پیوندهای خانوادگی؛ اصلاح ذات

البين: تحمل و مدارا: پرهيز از تكفير افراد مسلمان؛  
آموزش ادب اختلاف.

## فهرست منابع و مآخذ

1. قرآن كريم .
2. آلبانى، ابو عبدالرحمن محمد ناصرالدين، *ضعيف الجامع الصغير و زيادته*، بيروت، المكتب الإسلامى، بى تا.
3. ابن اثير، مجد الدين ابوالسعادات مبارك بن محمد، *جامع الأصول في أحاديث الرسول*، بى جا، مكتبة الحلوانى، 1969م .
4. ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسين، 1403ق .
5. همو، *علل الشرائع*، قم، مكتبة الداورى، بى تا.
6. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد، *صحيح ابن حبان*، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1420ق .
7. ابن زنجويه، *الاموال* .
8. ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل، *تفسير القرآن العظيم*، بى جا، دار طيبة للنشر و التوزيع، 1420ق / 1999م .
9. ابن ماجه، محمد بن يزيد، *سنن ابن ماجه*، بيروت، دارالفكر، بى تا.
10. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، *السيرة النبوية*، بيروت، دارالجيل، 1411ق .
11. ابوداود سجستانى، *سنن ابى داود*، بيروت، دارالكتاب العربى، بى تا.
12. احمد بن حنبل، *المسند*، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1420ق .
13. بخارى، محمد بن اسماعيل، *الجامع المسند الصحيح*، بى جا، دار طوق النجاة، 1422ق .
14. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين، *شعب الايمان*، بيروت، دارالكتب العلميه، 1410ق .
15. ترمذى، محمد بن عيسى، *الجامع الصحيح*، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
16. حر عاملى، محمد بن حسن، *وسائل الشيعه*، قم، مؤسسه آل البيت، 1409ق .
17. سيوطى، جلال الدين، *جامع الأحاديث*، بى جا، بى تا.
18. طبرانى، ابوالقاسم سليمان، *المعجم الأوسط*، قاهره، دارالحرمين، 1415ق (الف).
19. همو، *المعجم الكبير*، قاهره، دارالحرمين، 1415ق (ب).
20. طوسى، محمد بن حسن، *الأمالي*، قم، انتشارات دارالثقافة، 1414ق .
21. عبدالرزاق صنعانى، ابن همام ابوبكر، *مصنف*، بيروت، المكتب الإسلامى، 1403ق .
22. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، *الكافي*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365ش .
23. متقى هندى، *كنز العمال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1989م .
24. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، *بحار الانوار*، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1404ق .
25. مسلم بن حجاج نيشابورى، *الصحيح*، بيروت، دارالجيل، بى تا.
26. ملا على قارى، على بن (سلطان) محمد، *مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح*، بيروت، دارالفكر، 1422ق / 2002م .
27. مناوى، زين الدين محمد، *التيسير بشرح الجامع الصغير*، رياض، مكتبة الإمام الشافعى، 1408ق / 1988م .
28. نسائى، احمد بن شعيب، *السنن الكبرى*، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411ق .
29. نورى، ميرزا حسين، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، 1408ق .